

واحد‌های دولتی جزو "مردم" محسوب نمی‌شوند

نظر به این که در اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منظور از تاسیس دیوان عدالت اداری، رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به ماموران یا واحد‌های دولتی تصریح گردیده و با توجه به معنی لغوی و عرفی کلمه "مردم" واحد‌های دولتی از شمول "مردم" خارج می‌باشند و به اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی اطلاق می‌شود و مستفاد از بند یک ماده ۱۱ دیوان نیز اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی می‌باشند، علی‌هذا شکایت و اعتراضات واحد‌های دولتی در هیچ مورد قابل طرح و رسیدگی در شعب دیوان عدالت اداری نمی‌باشد... این رأی طبق ماده ۲۰ قانون عدالت اداری در موارد مشابه برای شعب دیوان و سایر مراجع لازم‌الاتباع می‌باشد.

یادآور می‌شود که این رأی در مورد شکایت وزارت مسکن و شهرسازی علیه شهردار و قائم‌مقام شهرداری وقت تهران و حاکم شرع صادر شده است^(۲). (شماره دادنامه: ۳۷-۳۸-۳۹)

نفی صلاحیت دیوان در رسیدگی به دعاوی مدنی، از جمله پیمان‌های ارزی

نظر به این که اختلافات ناشی از عقود و معاملات و قراردادهای و از جمله پیمان‌های ارزی، از نوع دعاوی مدنی محسوب می‌شوند که رسیدگی به آنها مستنداً به ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مجموعه قوانین سال ۱۳۷۳ و اصلاحات بعدی) در صلاحیت محاکم دادگستری قرار دارد، بنابراین، دادنامه شماره ۲۶۸ مورخ ۱۳۷۸/۶/۱۹ شعبه پنجم تجدیدنظر که متضمن نفی صلاحیت دیوان در رسیدگی به شکایات مطروحه می‌باشد، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی مطابق قسمت ذیل ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری در موارد مشابه برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط لازم‌الاتباع می‌باشد^(۳).

یادآور می‌شود که این رأی درباره شکایت چند تن از اشخاص حقیقی علیه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران صادر شده است. (تاریخ ۱۳۷۹/۶/۲۰ / شماره دادنامه ۱۹۷ / کلاسه پرونده ۳۰/۱/۷۸)

دیوان عدالت و سازمان تعزیرات حکومتی

حکم مقرر در بند ۲ ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری، مفید صلاحیت دیوان در رسیدگی به آرای قطعی مطلق مراجع اختصاصی اداری از حیث نقض

قوانین و مقررات و یا مخالفت آنها است، مگر در مواردی که به موجب قوانین مستتفا شده باشد. اما نظر به این که حسب مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، سازمان تعزیرات حکومتی از اجزای قوه مجریه می‌باشد و شعب تعزیرات حکومتی در زمره مراجع اختصاصی اداری قرار دارند و در عداد مراجع قضایی مذکور در تبصره ۲ ماده فوق‌الذکر محسوب نمی‌شوند، بنابراین، آرای قطعی شعب مزبور به تجویز بند ۲ ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری، قابل اعتراض و رسیدگی در دیوان است...^(۴) (تاریخ ۱۳۸۰/۸/۱۳ / شماره دادنامه ۲۵۲ / کلاسه پرونده ۲۷۹/۸۰)

دیوان عدالت و کمیسیون ماده ۱۰۰

اعتراض آقای مالک پلاک ثبتی شماره نسبت به رأی قطعی ۵۲۵ ک ۷ مورخ ۱۳۷۲/۴/۲۲ کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مورد رسیدگی قرار گرفته و به شرح دادنامه قطعی شماره ۳۴۱ مورخ ۱۳۷۵/۵/۳ هیات اول تجدیدنظر دیوان، مردود اعلام شده و با این کیفیت، موضوع اعتراض نسبت به رأی قطعی کمیسیون مذکور اعتبار امر مختومه را یافته و در نتیجه، رسیدگی مجدد نسبت به همان اعتراض از طرف مالک یا وکیل و یا قائم‌مقام قانونی او مستنداً به بند "ت" ماده ۲۰ آیین دادرسی دیوان، وجاهت قانونی نداشته است^(۵). (تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱۶ / شماره دادنامه ۴۲ / کلاسه پرونده ۱۸۰/۷۹)

نگاهی به قانون جدید دیوان عدالت اداری

بخش دوم

اکبر پیروفر

اشاره

دیوان عدالت اداری در سال ۱۳۶۰ و به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به ماموران یا واحد‌ها یا آیین‌نامه‌های دولتی، و احقاق حقوق آنها تاسیس شده است، و از جمله مواردی که در شمول اختیارات این دیوان قرار دارد، شکایات کارکنان بانک‌های دولتی علیه سازمان متبوع خود، و همچنین شکایات اشخاص حقیقی یا حقوقی در بخش غیردولتی علیه بانک‌های دولتی است.

در بخش قبلی این مقاله، با تشکیلات، صلاحیت و اختیارات، ترتیبات رسیدگی، نحوه اجرای آرای صادره، مراتب تجدیدنظر نسبت به آرای صادره و جریان کار هیات عمومی دیوان عدالت اداری آشنا شدید و اینک به شرح چند نمونه از آرای هیات عمومی (وحدت رویه) در زمان حکومت قانون قبلی می‌پردازیم.

بانک و اقتصاد

مطابق رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری، بخشنامه بانک مرکزی مبنی بر الزام بانک محال علیه به صدور گواهی عدم پرداخت مجدد و زوال آثار کیفری اولین گواهی عدم پرداخت، خلاف قانون تشخیص داده شده است.

گواهی عدم پرداخت مجدد

طبق ماده ۱۰ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ که براساس قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲ شماره آن به ۱۱ تغییر یافته، منظور از دارنده چک در مقام طرح شکایت کیفری، شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است و حکم مقرر در این ماده در باب الزام بانک محال علیه به قید هویت کامل و دقیق و تاریخ مراجعه شخص مزبور به بانک و صدور گواهی عدم پرداخت و همچنین عدم جواز طرح شکایت کیفری از طرف کسی که چک

پس از برگشت (جز در موارد قهری) به او منتقل شده، مفید ممنوعیت صدور گواهی عدم پرداخت مجدد و مکرر است. بنابراین، مفاد بخشنامه نب / ۹۰۱ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۹ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر الزام بانک محال علیه به صدور گواهی عدم پرداخت مجدد و زوال آثار کیفری اولین گواهی عدم پرداخت، خلاف قانون تشخیص داده می شود و بخشنامه مذکور به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری، ابطال می گردد^(۶).

(شخص ثالث)، نسبت به صدور گواهی عدم پرداخت مجدد اقدام نماید. (تاریخ ۱۳۸۰/۳/۶ / شماره دادنامه ۷۲ / کلاسه پرونده ۱۶۴/۷۹)

رای دیوان درباره رفع سوء اثر از چک برگشتی

نظر به ماده ۲۱ اصلاحی قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲ موضوع تکلیف بانکها به بستن حساب جاری صادرکننده چک بی محل در صورت

عدالت اداری، ابطال می گردد. یادآور می شود که شاکی طی درخواست خود اعلام داشته است که بانک ملی ایران برای رفع سوء اثر از چک های برگشتی، مطابق بخشنامه به شماره ۲۰۱/۱ مورخ ۱۳۷۷/۷/۲۶ ده هزار ریال کارمزد به عنوان هزینه بانکی دریافت می نماید. منشأ صدور بخشنامه مذکور نیز بند ۳ دوپست و نوزدهمین جلسه کمیسیون فنی سازمان و روش های بانکها مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۲۸ اعلام شده است. (تاریخ ۱۳۸۰/۴/۳۱ / شماره دادنامه ۱۲۵ / کلاسه پرونده ۲۵۹/۷۸)

تنزل مقام مستخدم رسمی دولت

طبق بند "و" ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب آذرماه ۱۳۷۲ تنزل مقام به عنوان یکی از مجازات های اداری مستخدم متخلف تعیین شده و اعمال آن با رعایت مقررات مربوطه، به هیات های رسیدگی به تخلفات اداری محول شده است و منحصراً اعمال یکی از مجازات های اداری مقرر در بندهای "الف"، "ب"، "ج" و "د" این ماده به مقامات مذکور در ماده ۱۲ آن قانون محول گردیده است. بنابراین، تنزل مقام مستخدم رسمی دولت در مقام اعمال مجازات اداری در مورد او توسط یکی از مقامات فوق الذکر، مجوز قانونی ندارد...^(۸)

یادآور می شود که رأی فوق بر اثر شکایت بانک صادرات کرمانشاه به عنوان تعارض آرای صادره از شعبه دوم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری صادر شده است (تاریخ ۱۳۸۰/۶/۲۵ / شماره دادنامه ۲۰۶ / کلاسه پرونده ۱۰۳/۷۹)

شمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری، به کارکنان بانکها

حکم مقرر در ماده ۹۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مفید جواز تدوین و تصویب آیین نامه ها و دستورالعمل ها و ضوابط اداری، استخدامی و انضباطی خاص نظام بانکی است و چون تعیین مرجع رسیدگی



صدور کیفرخواست و این که حکم مقرر در بند ۴ ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ مفید جواز تعیین میزان حداقل و حداکثر بهره و کارمزد در قبال ارائه خدمات بانکی می باشد و حکمی درباب ایجاد اثر سوء و همچنین مطالبه هزینه بابت رفع سوء اثر از چک برگشتی وضع نشده است، بند ۳ دوپست و نوزدهمین جلسه مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۲۸ کمیسیون فنی سازمان و روش های بانکها در این خصوص خلاف قانون و خارج از حدود اختیار کمیسیون مذکور در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان

یادآور می شود که این رأی بر اثر شکایت شخصی علیه بانک مرکزی و اعتراض به بخشنامه شماره ۹۰۱ صادر شده است که به موجب این بخشنامه، به بانکها اجازه داده شده بود تا چنانچه چک بعد از صدور گواهی عدم پرداخت به فرد دیگری منتقل شود، بانک موظف می باشد که در صورت درخواست آورنده

بخشنامه مربوط به ایجاد اثر سوء و همچنین مطالبه هزینه بابت رفع سوء اثر از چک های برگشتی، ابطال شده است.

طبق دادنامه شماره ۳۵۶ و ۳۵۷، مصوبه شورای پول و اعتبار تحت عنوان "ضوابط تاسیس بانک غیردولتی" خارج از اختیارات آن شورا در وضع مقررات دولتی است.

به تخلفات انضباطی خاص نظام بانکی و میزان مجازات اداری مرتکبین تخلفات مزبور، از مقوله عناوین مقرر در ماده مذکور نیست و به صراحت ماده ۱۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ کارکنان بانکها نیز مشمول قانون اخیرالذکر شناخته شده‌اند و رسیدگی به مطلق تخلفات اداری آنان به هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری محول شده و مجازات‌های اداری نیز در ماده ۹ این قانون معین گردیده است، بنابراین، تبصره ماده ۴۳ آیین‌نامه استخدای نظام بانکی که رسیدگی به تخلفات اداری، تشخیص تخلف و تعیین تنبیهات اداری در بانکها و بانک مرکزی را طبق دستورالعمل مصوب شورای عالی بانکها و شورای پول و اعتبار دانسته است، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری، ابطال می‌گردد...^(۹) (تاریخ ۱۳۸۰/۱۲/۱۴ / شماره دادنامه ۲۲۷ / کلاسه پرونده ۴۵/۸۰)

تبصره ماده ۴۳ آیین‌نامه استخدای نظام بانکی که رسیدگی به تخلفات اداری، تشخیص تخلف و تعیین تنبیهات اداری در بانکها و بانک مرکزی را طبق دستورالعمل مصوب شورای عالی بانکها و شورای پول و اعتبار دانسته است، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است.

ضمناً متن تبصره ماده ۴۳ آیین‌نامه استخدای بانک‌های دولتی چنین است: رسیدگی به تخلفات اداری، تشخیص تخلف و تعیین تنبیهات اداری در بانکها و بانک مرکزی، طبق دستورالعملی خواهد بود که به پیشنهاد هیات‌مدیره و یا هیات عامل بانک حسب مورد به تصویب شورای عالی بانکها و شورای پول و اعتبار می‌رسد. (مجموعه قوانین سال ۱۳۷۹ / جلد دوم / صفحه ۱۷۷۳)

رأی دیوان درباره شرکت صنعتی آبگینه
با عنایت به اصل ۱۷۳ قانون اساسی و رأی وحدت‌رویه ۳۷-۳۸-۳۹ مورخ ۱۳۶۸/۷/۱۰ هیات عمومی دیوان عدالت اداری، اعتراضات و شکایت

واحدها و سازمان‌ها و موسسات دولتی، قابل طرح و رسیدگی در دیوان عدالت اداری نمی‌باشد. نظر به این که حسب سوابق استنادی در دادنامه شماره ۵۵۹ مورخ ۱۳۷۹/۴/۱۵ شعبه چهارم دیوان عدالت اداری، شرکت صنعتی آبگینه، از جمله شرکت‌های دولتی محسوب است، بنابراین، دادنامه مذکور مشعر بر قرار رد شکایت به لحاظ غیرقابل طرح بودن اعتراض شرکت شاکی نسبت به رأی هیات حل اختلاف اداره کار که بر این مبنا صادر گردیده، موافق اصول و موازین قانون تشخیص داده می‌شود...^(۱۰) (تاریخ ۱۳۸۲/۷/۶ / شماره دادنامه ۲۵۴ / کلاسه پرونده ۲۵۴/۸۱)

رأی دیوان درباره واگذاری سهام بانک صادرات ایران

به صراحت اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، امر بانکداری اختصاص به بخش دولتی یافته و احکام مقرر در مواد ۹ و ۱۰ و ۱۱ فصل سوم قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منحصراً مفید جواز انتقال سهام شرکت‌های دولتی قابل واگذاری در قلمرو اصل ۴۴ فوق‌الذکر و مبین عدم جواز واگذاری سهام بانک‌های دولتی می‌باشد و چون حکم عام و کلی در بند "ک" تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور مخصص و ناسخ احکام خاص مقنن در باب اختصاص امر بانکداری به بخش دولتی و عدم جواز واگذاری سهام بانک‌های دولتی نمی‌باشد، بنابراین، تصمیم شماره ۶۱۷۶۱ / ت ۲۸۱۷۶ هـ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۵ نمایندگان ویژه ریاست جمهوری که به عنوان تصمیم هیات وزیران تلقی شده و متضمن واگذاری مالکیت دولت نسبت به ۶۰ درصد از سهام و سایر حقوق و اختیارات بانک صادرات ایران به صندوق بازنشستگی کشوری و تامین اجتماعی بوده، مغایر اصل ۴۴ قانون اساسی و سایر قوانین فوق‌الذکر و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری، ابطال می‌گردد...^(۱۱)

یادآور می‌شود که این موضوع بر اثر شکایت سازمان بازرسی کل کشور در دیوان مطرح شده است. (تاریخ ۱۳۸۲/۵/۵ / شماره دادنامه ۱۸۲ / کلاسه پرونده ۱۱۱/۸۲)

علاوه بر این، لازم به ذکر است که در حال حاضر، با توجه به بند "ج" سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای واگذاری صدی ۸۰ از سهام بنگاه‌های اقتصادی دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ قانون اساسی به بخش‌های خصوصی، شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیردولتی، بانک صادرات ایران نیز مشمول این مقررات می‌باشد (روزنامه رسمی شماره ۱۷۹۹۵ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۵).

رأی دیوان درباره واگذاری سهام بانک رفاه کارگران

با عنایت به صدر اصل ۴۴ قانون اساسی که بانکها و بیمه‌ها را در انحصار دولت قرار داده و دولتی اعلام نموده است و هرگونه خروج از اصل مذکور نیاز به قانون صریح و روشن و غیرقابل تفسیر دارد که ناقض قانون اساسی باشد و طبیعتاً چنین حقی باید از مجاری قانونی و قانونگذاری و نیز طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی و در چارچوب مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت پذیرد و بدیهی است که تا این تاریخ چنین امری اتفاق نیفتاده، و با عنایت به قانون ملی شدن بانکها مورخ ۱۳۵۸ و شمول قانون مذکور نسبت به بانک رفاه و با توجه به این که بیشترین سهام این بانک در آن تاریخ و تا زمان تغییر وضعیت غیرقانونی بانک مذکور، متعلق به دولت بوده است و با عنایت به این که اجازه تاسیس بانک خصوصی هرگز به معنی تغییر وضعیت بانک‌های دولتی و یا تبدیل بانک‌های دولتی به غیردولتی نمی‌باشد، و نظر به این که اساسنامه بانک رفاه توسط هیات وزیران به تصویب رسیده و تغییر مرجع تصویب آن، بدون قانون و یا اجازه مرجع تصویب‌کننده قانونی نیست و مجمع فوق‌العاده نمی‌تواند چنین اقدامی را انجام دهد، و طبق اصل ۸۵ قانون اساسی و نیز اصل ۱۳۸ و دیگر قوانین و مقررات عمومی، مرجع تغییر اساسنامه‌ها همان مرجعی است که در آغاز مجاز به تصویب بوده، مگر طبق قانون اجازه دیگری صادر شده باشد و در این مورد اجازه‌ای صادر نشده و مجمع عمومی بانکها و شورای عالی بانکها نیز مجاز به اقداماتی برخلاف قانون نمی‌باشند و با افزایش و یا کاهش سهام توسط سهامداران و یا با تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده بانک رفاه (نه مجمع عمومی بانکها و نه شورای عالی بانکها) به فرض قانونی بودن و مجاز بودن، مجاز

نیستند به گونه‌ای عمل کنند که محتوای آن خلاف قوانین و مقررات باشد و مثلاً ماهیت بانک را از دولتی به غیردولتی تبدیل نماید (ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی) والا نقض غرض لازم خواهد آمد و در کلیه بانک‌های ملی شده نیز می‌توان از چنین شیوه‌ای استفاده کرد و برخلاف حکمت جعل قانون، قانون را دور زد و لغو کرد، واضح است که قانون اجازه تاسیس بانک‌های غیردولتی نیز به مفهوم تغییر ماهیت بانک‌های دولتی و تبدیل آنها به غیردولتی نمی‌باشد.

به علاوه، ماده ۵ قانون ضوابط تاسیس بانک غیردولتی مقرر نموده است که اشخاص حقوقی که بخشی از سرمایه آنها متعلق به دولت و شرکت‌های دولتی و یا نهادهای عمومی بوده... نمی‌توانند در بانک‌های غیردولتی سهامدار باشند. با عنایت به جهات یادشده و جهات دیگر، از جمله اهداف قانون اساسی و اهداف بانکداری اسلامی، مصوبه مذکور خلاف اصل ۴۴ قانون اساسی و خلاف قانون ملی‌کردن بانک‌ها و قانون تاسیس بانک‌های غیردولتی مصوب ۱۳۷۹ و خلاف قانون برنامه پنجساله سوم و خلاف اختیارات مجمع عمومی فوق العاده بانک مذکور تشخیص گردید و مستنداً به اصل ۱۷۰ قانون اساسی و ذیل ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری، ابطال می‌گردد (۱۲).

یادآور می‌شود که این موضوع توسط سازمان بازرسی کل کشور در دیوان مطرح شده است (تاریخ ۱۳۸۲/۵/۲۵ / شماره دادنامه ۲۰۶ / کلاس پرونده ۳۵۵/۸۱).
ضمناً در این مورد هم لازم به ذکر است که در حال حاضر، با توجه به بند "ج" سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و در اجرای واگذاری صدی ۸۰ از سهام بنگاه‌های اقتصادی دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ قانون اساسی به بخش خصوصی و شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیردولتی، بانک رفاه کارگران نیز مشمول این مقررات است (روزنامه رسمی شماره ۱۷۹۹۵ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۵).

اخذ عوارض توسط شورای اسلامی شهرها و شهرداری‌ها

احکام مقنن در باب جواز تصویب و اخذ عوارض

توسط شورای اسلامی شهرها و شهرداری‌ها، از جمله به شرح مقرر در بند یک ماه ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور مصوب ۱۳۶۱ منوط به ارائه خدمات شهری در محدوده شهرها و حریم قانونی آنها می‌باشد و متضمن اجازه اخذ عوارض از واحدهای مختلف تولیدی، صنعتی، خدماتی و غیره مستقر در خارج از حریم قانونی شهرها نیست... (۱۳) (تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۱ / شماره دادنامه ۸۲۵ / کلاس پرونده ۲۹۴/۸۱)

رأی دیوان درباره ضوابط تاسیس بانک غیردولتی

علاوه بر این که حکم مقرر در بند "ج" ماده ۳۰ قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱ متضمن تفویض مسوولیت تصویب اساسنامه هر بانک به تناسب نوع و ماهیت خاص آن بانک به شورای پول و اعتبار است و ظهور در وضع مقررات آمره در زمینه تعیین ضوابط تاسیس مطلق بانک‌های غیردولتی ندارد و به صراحت بند "ج" ماده ۹۸ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ و بند "ج" ماده واحده قانون تاسیس بانک غیردولتی مصوب ۱۳۷۹ که با عنایت به مدلول ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وضع شده، البته تعیین ضوابط، قلمرو و شرایط طبق اصل ۴۴ قانون اساسی نیاز به قانون دارد، لیکن اختیار اعطای مجوز فعالیت بانک غیردولتی به

اشخاص حقیقی یا حقوقی به دولت تفویض شده است. بنابه جهات فوق‌الذکر و توجه به حدود وظایف و مسوولیت‌های قانونی شورای پول و اعتبار، مصوبه نهصد و چهل و هشتمین جلسه مورخ ۷۹/۹/۲۰ شورای پول و اعتبار تحت عنوان: "ضوابط تاسیس بانک غیردولتی" خارج از حدود اختیارات آن شورا در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری، ابطال می‌گردد.

یادآور می‌شود که این موضوع از سوی سازمان بازرسی کل کشور در دیوان عدالت اداری مطرح شده است. (۱۶) (تاریخ ۸/۱۰/۸۱ / شماره دادنامه ۳۵۶ و ۳۵۷ / کلاس پرونده ۳۴۷/۸۱ و ۳۱۶) ■

زیرنویس‌ها

- (۲) مجموعه قوانین سال ۱۳۶۸ / صفحه ۵۲۸.
- (۳) مجموعه قوانین سال ۱۳۷۹ / جلد دوم / صفحه ۱۳۶۰.
- (۴) مجموعه قوانین سال ۱۳۸۰ / جلد دوم / صفحه ۱۴۳۰.
- (۵) مجموعه قوانین سال ۱۳۸۰ / جلد اول / صفحه ۲۸۹.
- (۶) مجموعه قوانین سال ۱۳۸۰ / جلد اول / صفحه ۵۵۳.
- (۷) مجموعه قوانین سال ۱۳۸۰ / جلد اول / صفحه ۸۲۴.
- (۸) مجموعه قوانین سال ۱۳۸۰ / جلد دوم / صفحه ۱۴۲۵.
- (۹) مجموعه قوانین سال ۱۳۸۰ / جلد دوم / صفحه ۲۱۰۳.
- (۱۰) مجموعه قوانین سال ۱۳۸۲ / جلد اول / صفحه ۱۰۹۷.
- (۱۱) مجموعه قوانین سال ۱۳۸۱ / جلد اول / صفحه ۷۱۲.
- (۱۲) مجموعه قوانین سال ۱۳۸۳ / جلد اول / صفحه ۹۱.
- (۱۳) مجموعه قوانین سال ۱۳۸۴ / جلد اول / بخش دیوان عدالت اداری / صفحه ۱۷۸.
- (۱۴) مجموعه قوانین سال ۱۳۷۴ / صفحه ۵۸۲.
- (۱۵) روزنامه رسمی شماره ۱۷۴۹۱ مورخ ۲۲ اسفند ۱۳۸۳ و شماره ۱۷۵۸۴ مورخ ۲۲ تیر ۱۳۸۴.
- (۱۶) مجموعه قوانین سال ۱۳۸۱ / جلد دوم / صفحه ۱۲۵۵.